سکینه حورسی

■ سابقه مبارزاتی سکینه حورسی به قبل از انقلاب برمی‌گردد. دختری فعال و شجاع که اعلامیه‌ها و نوارهای حضرت امام(ره) را از زیر سنگ هم که بود، جور می‌کرد و به دست مبارزان انقلابی می‌رساند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تازه احساس مسئولیت ایشان بیشتر شد. چون معتقد بود که الآن وقت پاسداری است و باید از انقلابی که دستاورد خون هزاران شهید است محافظت شود. به همین خاطر وارد کمیته‌های مردمی شد و جزو اولین دخترانی بود که اسلحه به دست گرفت و برای تأمین امنیت شهر اقدام کرد. پس از انقلاب مبارزه با ضدانقلاب را در اولویت کارهایش قرار داد و یک تنه به مبارزه با آنها می‌پرداخت. به خاطر همین شجاعت در شهر به چهره‌ای شناخته شده و برجسته تبدیل شد و از همین روز ضدانقلاب او را مورد تعقیب قرار داد و بارها خانواده‌اش را تهدید کرد. با وجود تهدیدها، این شیرزن ایرانی هیچ وقت کوتاه نیامد و مصمم‌تر از قبل به مبارزه با ضدانقلاب ادامه داد. از ابتدای پیروزی انقلاب ارتباط تنگاتنگی با شهید محمدعلی جهان‌آرا و دیگر برادران پاسدار داشت و به همین دلیل آموزش‌های نظامی و تاکتیکی گروه خواهران که تحت حمایت و حفاظت سپاه و با سرپرستی و فرماندهی شهید جهان‌آرا بود را آغاز کرد. پس از گذراندن دوره‌های مختلف نظامی، اسلحه‌شناسی، تاکتیکی و رزمی، خواهر سکینه حورسی به یک نظامی تمام عیار تبدیل می‌شوند که برای دفاع از انقلاب آماده است. اندکی قبل از شروع جنگ تحمیلی و با واسطه‌گری شهید جهان‌آرا، زندگی مشترکش را با سید عبدالرسول بحرالعلومیان آغاز کرد. ازدواج نیز نتوانست مانعی جهت فعالیت‌های سکینه حورسی باشد و برعکس او به همراه شوهرش، مقاوم‌تر از قبل از مبارزاتش را ادامه داد. در جریان مقاومت ۴۵ روزه خرمشهر و چه پس از آن در جبهه‌های جنگ در نقش امدادگر و مدافع نقش درخشان و ارزشمندی داشتند که تصویر ثبت شده از وی که سلاح در دست داشت، جزو تصاویر ماندگار دوران هشت سال دفاع مقدس است. این بانوی مقاوم در جریان دفاع از میهن، گاهی خدمات پشتیبانی می‌کرد و گاهی به عنوان نیروی عملیاتی وارد عمل می‌شد. مردم یک وقت او را در بیمارستان و در حال کمک به کادر درمان می‌دیدند و بعضی روزها در سطح شهر شهدا را جمع می‌کرد و در گلزار شهدا به خاک می‌سپرد. یا گاهی در کنار قبضه ۱۰۶، گلوله جای‌گذاری می‌کرد، حتی مهمات را هم بعضی مواقع تخلیه می‌کرد و برای دفاع از شهر به هر شکلی که از دستش برمی‌آمد کوتاهی نمی‌کرد. حتی گاهی زنان و دختران را دور خودش جمع و آنها را بسیج می‌کرد و خود فرماندهی‌شان را برعهده می‌گرفت. سکینه حورسی پس از سقوط خرمشهر در محله «کوت شیخ» آبادان مستقر شد و در زیر بمباران بچه‌دار شد و در زیر خط آتش دشمن همچنان به فعالیت‌های جهادی خود ادامه داد. ایشان در جریان هشت سال جنگ تحمیلی جانباز شیمیایی شد و سال گذشته به همرزمان شهیدش پیوست.

برای بانوانی که نام‌شان در دفاع از خرمشهر و آبادان ماندگار شد

ننه زاغی برای رزمنده‌های جبهه آبادان مادری می‌کرد

■ احمد محمدتبریزی

زنان در هشت سال دفاع مقدس حماسه‌های ماندگار زیادی از خود به جا گذاشتند. زنان ایرانی از خانه‌ها و شهرها تا پشت جبهه‌ها حضوری فعال داشتند و نقشی تأثیرگذار را ایفا می‌کردند. دشمن بعثی تصور نمی‌کرد هنگام حمله به ایران، زنان ایرانی آنقدر شجاعانه مقابل‌شان بایستند و کمک و یاور مردان در خط مقدم باشند. مقاومت مردمی زنان و مردان ایرانی در نخستین روزهای جنگ، یکی از حماسی‌ترین و شگفت‌انگیزترین حماسه‌های تاریخ دفاع مقدس است. آنها با دست خالی و تنها با تکیه بر اتحاد و ایمان خود، مقابل دشمن متجاوز ایستادند و جلوی پیشروی‌هایش را گرفتند. معمولاً در تاریخ بیشتر از نقش مردان صحبت به عمل می‌آید ولی نباید از جایگاه زنان غافل شد. آنها با تمام وجود به صحنه آمدند و هیچ گاه اجازه ندادند تا ترس بر آنها غلبه کند. در دفاع مردمی ابتدای جنگ به زنان شجاع زیادی می‌رسیم که نقش مهمی در دفاع از کشور داشتند. در ادامه نگاهی به نقش و تأثیرگذاری این زنان داریم.

ننه زاغی

■ نامش در شناسنامه «حسنی جان حاج‌هاشمی» بود در اسفرجان اصفهان به دنیا آمده بود. همراه دو دخترش در آبادان زندگی می‌کرد و چون یکی از دخترانش چشمان زاغی داشت در آبادان به «ننه زاغی» معروف شد. «ننه زاغی» پیرزنی بود که با نام مادر رزمندگان آبادان هم شناخته می‌شد. «ننه زاغی» در شروع جنگ در منطقه ماند و شهر را ترک نکرد. طی هشت سال جنگ به تنهایی در منطقه احمدآباد آبادان زندگی می‌کرد. از اوّل جنگ در شهر ماند و مایه قوت قلب بچه‌هایی شد که از آبادان و خرمشهر دفاع می‌کردند. روحیه بالای ننه یک پایگاه مقاومت برای رزمندگان شده بود و همه نیروهای شهر او را می‌شناختند. رزمندگان بومی و شهرهای دیگر به خانه این مادر بزرگوار می‌رفتند و به ایشان سر می‌زدند، ننه را می‌شناختند و مراقبش بودند.

جنگ که شروع شد، بیشتر خانواده‌ها شهر را ترک کردند. اما «ننه زاغی» حاضر به ترک خانه‌اش در محله احمدآباد نشد. جالب اینجاست که احمدآباد با لب مرز دو کیلومتر بیشتر فاصله نداشت و خمپاره‌هایی که عراقی‌ها می‌زدند اول در این منطقه فرود می‌آمد. رزمندگان یک اسلحه به ننه زاغی داده بودند تا از خودش دفاع کند ولی ایشان اسلحه را به آنها داد و گفت: «ننه! همانطور که خدا الان از من مراقبت می‌کند، اگر صلاح باشد تا پایان جنگ هم از من مراقبت خواهد کرد.» تمام بسیجی‌هایی که به ننه سر می‌زدند او را مادر خودشان به حساب می‌آوردند.

در شرایط سخت آن روزها، «ننه زاغی» مادر همه رزمندگان حاضر در آبادان و خانه‌اش یک پایگاه مقاومت از جهت روحیه و استقامت بود. خیلی سعی کردند ننه زاغی را مانند سایر مردم از شهر و دیار و خانه و کاشانه‌اش بیرون ببرند ولی زیر بار نمی‌رفت و می‌گفت: «می‌مونم تا جنگ تموم بشه، یا اینکه همین جا بمیرم!...» هر چه به گوشش خواندند، انگار نه‌انگار. تمام فرماندهان وقت از جمله شهید دکتر مصطفی چمران، مقام معظم رهبری، سردار حاج‌علی هاشمی و سرداران حاج‌حسین خرازی و حاج‌احمد کاظمی، سردار مرتضی قربانی، سردار محمدابراهیم همت، مهدی باکری و کل فرماندهان وقت سپاه آبادان به ایشان سر می‌زدند. «ننه زاغی» در خانه مرغ پرورش می‌داد و از تخم مرغ‌ها، هم خودش استفاده می‌کرد و هم به رزمنده‌هایی می‌داد که به او سر می‌زدند. نیمرو درست می‌کرد و به رزمندگان می‌داد. در عوض آنها هم مواظب بودند که ننه کم و کسری نداشته باشد. «ننه زاغی» در تاریخ پنجم مرداد ۱۳۶۷ تنها چند روز پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ از دنیا رفت.

مریم فرهانیان

■ مریم فرهانیان در سال ۱۳۴۲ به دنیا آمد و هنگام تجاوز دشمن بعثی به خاک وطن ۱۷ سال بیشتر نداشت. او در همان زمان در بیمارستان امام خمینی(ره) آبادان مشغول امدادگری شد و به مدت سه سال به کار امدادگری و پرستاری از مجروحان جنگ در بیمارستان‌های مختلف آبادان ادامه داد که در این مدت یک بار به شدت زخمی شد و به اجبار در بیمارستان بستری شد. او در این مدت زینب‌وار از برادران رزمنده مجروح پرستاری می‌کرد. مریم فرهانیان یکی از ۱۸ نفر خواهران، امدادگر داوطلبی بود که در زمان جنگ در بیمارستان طالقانی آبادان در قسمت‌های مختلف، خالصانه خدمت می‌کرد. این بانوی امدادگر در زمان جنگ شهر آبادان را ترک نکرد و دوشادوش برادران رزمنده به دفاع از خاک کشورش پرداخت. به هنگام شکست محاصره آبادان و آزادی خرمشهر و بسیاری از عملیات‌های دیگر فعالیت چشمگیری داشت تا بالاخره بر اثر متوقف شدن عملیات پس از آزادی خرمشهر به‌منظور رسیدگی به خانواده شهدا در واحد فرهنگی بنیاد شهید آبادان مشغول فعالیت شد. شهیده مریم فرهانیان در بسیاری از عملیات دوران دفاع مقدس از جمله شکست حصر آبادان و آزادسازی خرمشهر حضوری فعال و چشمگیر داشت. او پس از مدتی فعالیت در بیمارستان، به عنوان مددکار اجتماعی در بنیاد شهید مشغول شد و به مددکاری و مواظبت از مادران شهیدان می‌پرداخت. او اعتقاد داشت که مراقبت از مادران شهدا چیزی کمتر از جنگیدن در جبهه‌ها نیست. این شهیده بزرگوار در غروب سیزدهم مرداد ماه سال ۱۳۶۳ در حالی که همراه با دو تن از خواهران همکار خود بر مزار شهیدی که بنا به وصیت مادر شهید که از آنان قول گرفته بود هر سال به جای او بر سر مزار پسر شهیدش حاضر شوند، در حالی که راهی گلستان شهدای آبادان شده بودند مورد اصابت ترکش خمپاره دشمن بعثی قرار گرفتند و دو خواهر همراه او زخمی شدند و مریم فرهانیان نماد رشادت و مجاهدت زن ایرانی به فیض شهادت نایل آمد.

ننه مریم

■ یکی از زنان گمنام و مظلوم ساکن خرمشهر که کمتر از دلاوری و شجاعتش صحبت به میان می‌آید، ننه مریم است. «ننه مریم» را رزمندگانی که اول جنگ برای دفاع از کشور به خرمشهر می‌رفتند به خوبی می‌شناسند. نام شناسنامه‌ای او «گلناز گلبی» بود و اصالتش به خرم‌آباد برمی‌گشت، ولی در خرمشهر ساکن بود.

روزهای اول جنگ وقتی نیروها وارد خرمشهر شدند «ننه مریم» را دیدند که مدام به بیمارستان شهر رفت و آمد می‌کند. آنجا می‌فهمند شوهرش به نام «بابامراد پورحیدری» به همراه دو فرزندش جزو مدافعان خرمشهر هستند. یکی از کارهای مهم این خانواده کسب اطلاعات از نیروهای دشمن بود که در جای جای شهر نفوذ کرده بودند. «ننه مریم» به خاطر کلاس‌های قرآنی که از قبل انقلاب در خرمشهر برگزار می‌کرد، فرد شناخته شده‌ای به حساب می‌آمد. در روزهای سخت و پر از آتش و خون ابتدای جنگ، «ننه مریم» زنان و دخترانی که به شهادت می‌رسیدند و پیکرشان را به جنت آباد می‌بردند را کفن و دفن می‌کرد. «ننه مریم» تمام مدت در راه بیمارستان و قبرستان بود. روایت‌های او از روزهای اول جنگ نشان از سختی شرایط دارد: «گاهی که کفن نداشتیم چادر سرم را کفن می‌کردم، آب که برای غسل نبود دبه دبه آب برای شستن شهدا پیدا می‌کردیم. دختری مادر شهیدش را برای کفن کردن آورده بود، پسری مادرش را آورده بود و چه صحنه‌های دردناکی خلق شد. بعضی از پیکرهای زنان در اثر شدت انفجارها لباسی بر بدن نداشتند. از زنان شهیدی می‌گفت که به طرز وحشتناکی به شهادت رسیده بودند. پیکر شهیده‌ای که سر نداشت، مظلومیت شهیده دیگری که پس از یک روز از خاکسپاری وقتی برای دفن پیکر دیگری به قبرستان رفتند، قبرش را خالی از پیکر دیدند؛ چراکه در اثر آتش باران دشمن قبر شکافته شده و تکه‌های جسد توسط سگ‌های وحشی خورده شده بود.» او بعضی از شب‌ها در جنت‌آباد می‌خوابید تا به وضعیت شهدا رسیدگی کند.

سختی‌های جنگ در همان روزهای نخست چهره‌اش را به «ننه مریم» نشان داد. دشمن شوهرش را به اسارت برد. اسارت شوهر، نه تنها باعث انفعال «ننه مریم» نشد، بلکه عزم او را برای مقاومت و مبارزه جزم‌تر کرد. در جریان دفاع از خرمشهر و آبادان، «ننه مریم» با رزمندگان گروه فدائیان اسلام آشنا شد. دو پسرش نیز عضو سپاه خرمشهر بودند و همین سبب می‌شد تا نیروها بهتر «ننه مریم» را بشناسند. این زن خرمشهری همچنان با روحیه و قوی بالای سر مجروحان حاضر می‌شد و از آنها پرستاری می‌کرد. همچنین «ننه مریم» به شمع محفل رزمندگان تبدیل شده بود. بسیار صریح و رک‌گو بود و اگر از کسی اشتباهی می‌دید سریع عنوان می‌کرد. او زنی فهمیده و با دانش سیاسی بالا بود که مسئولان را به اسم می‌شناخت و تحلیل‌های سیاسی می‌کرد. رزمندگان گروه فدائیان اسلام «ننه مریم» را «زینب زمان» صدا می‌کردند؛ چراکه در کوران گلوله باران مقاومت کرد و در برابر خبرهای سخت و ناگوار خم به ابرو نیاورد، با وجود داغ‌هایی که دید شهر را ترک نکرد تا زمانی که شهر سقوط کرد. ننه در واقع آخرین زنی بود که از خرمشهر بیرون آمد و اولین زنی بود که وارد خرمشهر شد. هر دو پسر ننه مریم در آزادسازی خرمشهر به شهادت رسیدند. مرتضی در عملیات بیت‌المقدس به شهادت رسید و پیکرش را در گلزار شهدای آبادان به خاک سپردند. محمد بعد از آزادی در پاکسازی خرمشهر به شهادت رسید و پیکرش را در جنت‌آباد به خاک سپردند.

بابا مراد، شوهر «ننه مریم» چهار سال بعد از اسارت به کشور بازگشت. در اثر شکنجه‌های اسارت در سال ۱۳۸۶ به شهادت رسید و ننه مریم هم ۴۰ روز بعد آن از دنیا رفت. الان اگر به سر مزار این بانوی شجاع بروید بالای قبرش نوشته است: «مادر یک شهر».

صباح وطن‌خواه

■ صباح وطن‌خواه از همان دوران نوجوانی دختری مدافع حق و حقیقت و ظلم‌ستیز بود. او این روحیه ظلم‌ستیزانه و آزادیخواهانه را از دوران قبل از پیروزی انقلاب در وجودش داشت و هر چه گذشت این روحیه در وجودش پررنگ‌تر شد. یک بار در نوجوانی در مدرسه به خاطر درگیری لفظی با معلمِ شاه دوست مدرسه‌اش تا مرز اخراج هم پیش می‌رود.

هرچه زمان می‌گذشت، حق‌خواهی و ظلم‌ستیزی بیشتر در وجود صباحِ جوان زبانه می‌کشید. همین ویژگی‌ها سبب شد تا به مرور پای او به اولین راهپیمایی ضد رژیم باز شود و از او یک شخصیت انقلابی بسازد.

شخصیتی که با آشنایی با حضرت امام مسیر تکامل را سریع‌تر طی کرد و در فضایی به نام جنگ، به اوج بلوغ فکری و عملی انقلابی و اسلامی رسید. صباح وطن‌خواه یکی از بانوان تأثیرگذار در جریان مقاومت خرمشهر است. زمانی که مردم محلی متوجه ورود عراقی‌ها به آبادان می‌شوند صباح وطن‌خواه به عنوان اولین زنی که در این جبهه حضور پیدا می‌کند، در خطوط نبرد حاضر می‌شود و در نهایت در کنار دیگر نیروهای مردمی دشمن بعثی را تا پشت بهمنشیر عقب می‌رانند.

در حماسه ذوالفقاریه نام وطن‌خواه می‌درخشد. این بانوی خرمشهری در هنگام دفاع از شهر ۲۰ ساله بود و از اولین ساعات حمله جنگ با تشکیل اولین تیم امداد سیار شهر، به جست‌وجوی مجروحان می‌گشت و در این زمینه نقشی تأثیرگذار داشت.

او در آن روزها صحنه‌های وحشتناکی از شهادت همشهری‌هایش می‌دید و با وجود شرایط بد و سخت آن روزها، صحنه را ترک نکرد و تا آخرین روز اشغال شهر، در خرمشهر ماند.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۶۱۳

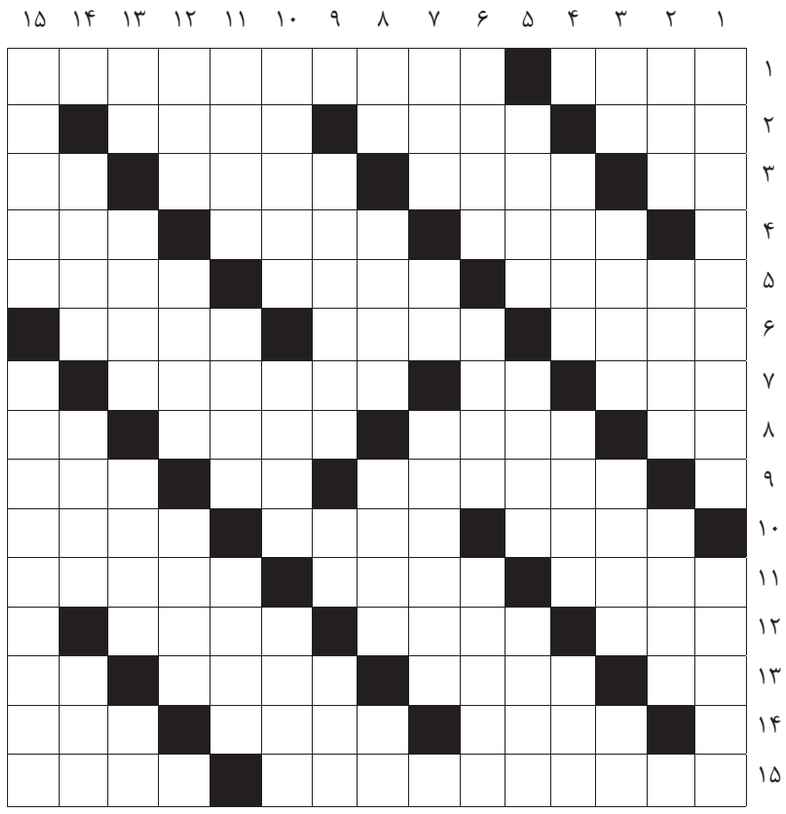

از راست به چپ

■ ۱- بلندی کوه - نام قلعه متعلق به سلجوقیه که بر فراز ارتفاعات جنگلی در فومن ساخته شده است ■ ۲- جایز و مباح- ردیف بیگانه- حرکتی در ژیمناستیک ■ ۳- از حروف شرط- بی‌غیرت- مرام و ایدئولوژی- از اوراق بهادار ■ ۴- از صادرات مهم برزیل- نام چندتن از پادشاهان انگلیس- حاجت و مقصود ■ ۵- دست به دست‌شدن پول در اصطلاح بانک- نخستین خط مسلمانان- کافه فرنگی ■ ۶- تیم فوتبالی در فرانسه- تکرارشده- پذیرفتن ■ ۷- قیم- حرف فاصله- دوری کردن ■ ۸- هنوز انگلیسی- نخستین سوخت بشر- از شنبه تا جمعه- آش ■ ۹- کود گیاهی- صدمتر مربع- علف خشک ■ ۱۰- مبارزه با حریف خیالی در کاراته- اثر ژان‌ژاک روسو- خدمتکار پیر ■ ۱۱- ظاهر و آشکار- هلاک و نیستی- به تأخیرانداختن توبه ■ ۱۲- از شهرهای سوییس- بهار خواب- هر یک از واحدهای تخصصی در ارتش ■ ۱۳- کلمه شگفتی- اثر شکسپیر- دیوار قلعه- حرف همراهی ■ ۱۴- خوراکی از شیر و نشاسته- مسجد معروف داراب شیراز- آقا و سرور ■ ۱۵- قله بلند آفریقا- تقویت‌کننده امواج تلویزیون

از بالا به پایین

■ ۱- دنیای آخرت- انعکاس صدا ■ ۲- ضرورت بازی والیبال- نوعی شیرینی- دشمنی ■ ۳- تصدیق آلمانی- زردآلوی خشک‌شده- هدیه- قیمت بازاری ■ ۴- فصل پویایی طبیعت- فقط خدا ندارد- از اشکال هندسی ■ ۵- از شهرهای فرانسه- ضربه‌ای با نوک پا- التماس ■ ۶- هر یک از خشکی‌های پنجگانه دنیا- صمغ درخت بلوط- شهر مقر حکومت در سرزمین ژرمن‌ها ■ ۷- بازی‌های سراسری- حشره جهنده- برابری ■ ۸- از عربی- فریاد شادمانی- ارتباط تلفنی- پسوند شباهت ■ ۹- زاویه بین نود تا صدوهشتاد درجه- مساوی- از وسایل تبلیغات ■ ۱۰- زنان بر سر کنند- فالگیری- نوعی خوراک فرنگی که پخت آن در ایران هم رایج است ■ ۱۱- استاندار قدیمی- چراغ پایه‌دار- سرایت پیداکردن ■ ۱۲- جایگاهی در جهنم- خراب و فاسد- گروه ■ ۱۳- انس و الفت- کج و مایل- آهنگر معروف- آفت نباتی ■ ۱۴- تکاور - نوعی ماسه ریز- واحد ذخیره‌سازی اطلاعات کامپیوتر ■ ۱۵- آش عدس- حرکت کردن

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۹					۴			
						۳		۷
۶					۹			
						۲	۴	۸
			۶	۲				
	۷	۵						
	۸		۲	۹				۵
				۳			۸	۶
	۱						۷	

جدول کلمات متقاطع
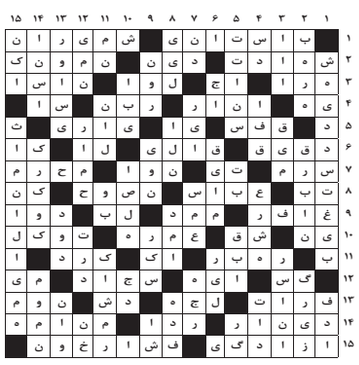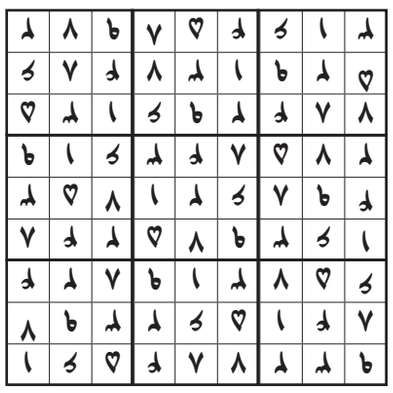
پاسخ جدول شماره ۶۶۱۲